

اتحاد دموکرات ها زیر پرچم افراشته جدائی دولت از مسجد و اعلامیه حقوق بشر برابر است با ایرانی آزاد و مفتخر

جنبش دموکراسی خواهی برای ایران قدم بزرگی است که تحصیل کرده های سیاسی برداشته اند. مبارزه با دیکتاتوری سیاسی و دینی بدون هدف روشن دموکراسی سیاسی برای مردم معنی نخواهد داشت. بنظر میرسد تعقل هدف سیاسی دموکراسی برای ایران گفتمان غالب و مسلط در میان کوشندگان سیاسی شده است. دیگر خبری از پرسه زدن روشنفکران در مارکسیسم لنینیسم، مبارزات ضد استعماری و اسلام سیاسی افسانه ای نیست. گفتمان جدی و واقعی به گرد دموکراسی، آزادی و حقوق بشر است و بدنه اصلی کوشندگان سیاسی خارج و داخل کشور بدور این گفتمان با هم متحد شده اند. اندیشه والای دموکراسی و آزادی همبستگی گسترده ای در میان مبارزان دشمن رژیم ضد ایرانی و مردمی جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. آنچه این جنبش آزادیخواه را، که در آن روان مبارزان انقلاب مشروطیت دیده میشود، به سرانجام پیروزی میرساند همبستگی و سازمان یافتن آنهاست که به این جنبش به هر شکلی تعلق دارند. خوشبختانه ما ایرانیان ساکن خارج همه در کشورهای دموکرات زندگی میکنیم و بهترین ارمغانی را که ما میتوانیم برای هم میهنانمان به ایران بفرستیم سازمان دادن و مدیریت یک کشور دموکرات است.

کمتر کسی در جنبش دموکراسی خواهی هست که باور نداشته باشد که توانائی ما در همبستگی و اتحاد است و نقش تعیین کننده کمیت عددی را مشاهده نکند. بدون یک سازمان گسترده، با انضباط و متعهد به دموکراسی تک تک ما و یا در گروه های کوچک بهیچوجه بحساب نخواهیم آمد و هرگز شاهد پیروزی دموکراسی در ایران نخواهیم بود. یک پارچگی دموکرات ها کلید آزادی ایران از چنگال تبهکاران اسلامی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی است. دموکراسی که رژیم مذهبی را ترد میکند، حقوق برابر شهروندان ایران را تضمین میکند، زمینه را برای تداوم پیشرفت های کشور فراهم میکند، صنایع را از چنگال بوروکرات های دولت آزاد میکند، دولت را در چارچوبی محدود قرار میدهد تا نتواند به حقوق مسلم شهروندان تجاوز کند، به هیچ فردی در کشور اجازه نمیدهد خود سری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کند، دوستی با کشورهای جهان را آرمان خود قرار میدهد، دین اسلام را به جایگاه محترم آن برمیگرداند و شأن اجتماعی آنرا دوباره سازی میکند و آنرا از چنگال تبهکاران سیاسی اسلامی خارج میکند. این در ایران امکان پذیر نخواهد شد مگر اینکه دموکراسی خواهان پایبند به این اصول متحد شوند. کیفیت ما دموکراسی خواهی و حقوق بشر است و آن والاترین مفهومیست که انسان برای اجتماعی متمدن به آن رسیده است. آنچه ما کمبود داریم کمیت است. کمیتی پر از انرژی که بتواند این مبارزه سخت و جان فرسا را که از انقلاب مشروطیت آغاز شده است به ثمر برساند. این نسل از مردم آزادی خواه ایران که در مقابل رژیم درنده خوی جمهوری اسلامی ایستاده اند نسل توم زده انقلاب 1357 نیستند برای همین است که شعار دموکراسی و حقوق بشر را پرچم افراشته مبارزه خود برای آزادی ایران قرار داده اند. تبلیغ برای دموکراسی و توضیح آن در میان مردم که در تاریخ معاصر ایران همواره با در دوران های هیجان انگیز سیاسی کوتاه مدت برای تصمیم گیری فراخوانده شده اند و یا گرفتار دیکتاتوری سیاسی به نسبت طولانی بوده اند، راه گشای پشتیبانی مردم از دموکراسی است.

پژوهش تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطیت تا کنون بمان نشان میدهد که در آن فرصت های درخشانی برای نهادی کردن دموکراسی وجود داشته است؛ اما نیروهای ضد مردمی با همکاری با یکدیگر توانسته اند اول جریان دموکراسی خواهی را متوقف کنند و در مرحله دوم یکی از این نیروهای دیکتاتور خواه بر دیگران غالب شده و دوران دیکتاتوری نسبتاً طولانی خود را بر پا کرده است. چالش بزرگ دموکرات ها با طبیعت مترقی و تجدد گرا و انزجار از نیروهای دیکتاتور ساز وجود تجربه تلخ مرگبار جمهوری اسلامی و کادرهای درنده خوی آن است، که مانع اشکار دموکراسی آزادی بخش هستند. هر آنکس که دوران پیش از انقلاب 57 را بیاد میآورد بخوبی میداند که مردم ایران مردمی غیر مذهبی و مترقی بودند و هستند. مردم به دام سالوس مذهبی گرفتار شدند چون نیروهای سیاسی غیر مذهبی وظیفه خود را برای آگاه کردن مردم از خطرات یک رژیم مذهبی انجام ندادند. آنها شهامت دکنتر بختیار را نداشتند و دکنتر بختیار را که برای ایران با یک رژیم دموکراسی مبارزه میکرد تنها گذاشتند و مردم را دچار سرنوشت شوم رژیم اسلامی کردند. در این زمان تحصیل کرده ها باید وظیفه خود را با همبستگی و یک پارچه گی سیاسی در جنبش دموکراسی خواهی انجام دهند. حالا دیگر زمان افسانه سازی مبارزات ضد امپریالیستی و استعماری نیست. دشمن رستگاری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران داخلی است و این دشمن داخلی رژیم جمهوری اسلامی است. رژیمی که بارها از روز اول پیدایشش با ریختن خون مردم آزادی خواه ایران به زندگی ننگین خود ادامه داده است. تشکل غیر مذهبی های دموکرات هسته جذاب فراگیر ایرانیان آزادی خواه در ایران و خارج را فراهم کرده است. با پیوستن به این جنبش مترقی، متجدد، آزادیخواه و دموکرات غیرمذهبی زمینه سرنوشتی رژیم اسلامی را فراهم کنیم.

"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران" شعار دموکراتها را که دموکراسی خواهی، جدائی دولت از مسجد و اعلامیه حقوق بشر است از آرمانی حرافانه به تشکیلاتی اجرائی تبدیل کرده است و هسته منسجم و سازمانی آنرا تشکیل داده است. شکل گرفتن شبکه در روشنائی به مانند پرتو خورشید انجام شده است. هیچ گونه پنهان کاری در کادر رهبری "شورای هماهنگی شبکه سکولارهای سبز" وجود ندارد همانطور که در معرفی و انتخابات این افراد وجود نداشته است. کادرهای هماهنگی شبکه از فر ویژه ای برخوردار نیستند که معمولاً پیام آور دیکتاتوری است. شبکه جنبشی نیست که مافیای سیاسی مانند حزب الله و کمونیست ها پشت سرش باشد و در آن فرقه "کالت" مذهبی وجود ندارد؛ جنبش هائی که دست هائی نامرعی مریدانی از خود بی خود را به ناکجا آباد سیاسی میبرند. انبوه دموکرات های ساکن در خارج میباید با انتخابی که روبرو هستند پاسخ دهند. آیا میخواهند به شیون و زاری در برابر مقامات سنگ دل حزب الله برای خشونت و بیعدالتی که در حق آنها و یا دوستانشان کرده اند ادامه دهند یا اینکه میخواهند با پیوستن به **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** به کمیت عددی چگونگی "کریستیکال کوانتیتی" برسند و رژیم حزب الله را وادار به عقب نشینی برای بجاماندن برای اندک زمانی بیشتر کنند. آیا میخواهند با عجز و لایه از کشورهای اروپائی، امریکا و سازمان های میان ملت ها بخواهند که از حقوق انسانی مردم ایران و مبارزان آنها برای آزادی در ایران دفاع کنند، یا اینکه میخواهند نشان دهند با اتحاد بزرگ دموکرات های ایران با یادواره دموکرات های انقلاب مشروطیت میتوانند از حقوق مردم ایران دفاع کنند و غرور ایرانی بودن را در ملت ایران دوباره زنده کنند. دموکرات های بی خانمان "هوم لس" سیاسی و سرگردان و بی اثر در فردیت و کوچکی گروه خود میتوانند به **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** ببینند تا بزرگ سفک سیاسی مترقی بروند، تا استعداد سیاسی خود را به هم میهنانشان ارائه دهند و انرژی سیاسی خود را در راهی بسوزانند که دموکراسی، جدائی دولت از مسجد و حقوق انسانی ملت فرسوده شده ایران زیر استبداد مذهبی را به آنها باز گرداند.

"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران" تابوی رهبری سیاسی مبارزان برای آزادی ایران در خارج را شکسته است. هموندان دموکرات شبکه در خارج اراده کرده اند نیروی سیاسی پراکنده دموکرات های مقیم خارج را گرد خود جمع کنند؛ و آماده است با پشتیبانان پنهانی بقای رژیم حزب الله در ایران زیر پوشش های "جنبش باید از داخل آغاز شود، ما تنها باید پشتیبان جنبش در داخل باشیم، ما باید سرنوشت آینده ایران به دست اصلاح طلبان حزب اللهی که هر کدام پرونده ننگینی در رژیم حزب الله دارند را کنیم" روبرو شود و نشان دهد این آسوده گری سیاسی برای دوباره سازی سربلندی ایران مرگ باراست. شبکه این فرصت را به دموکرات های خارج از کشور میدهد تا به حرافی سیاسی، علافی سیاسی، بیراه رفتن سیاسی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت سیاسی برای ایرانی سربلند و منتقل کردن این مسئولیت به دوش مبارزان آزادی خواه در بند ایران پایان دهند و مسئولیت سیاسی خود را بپذیرند و بروی شانه خود ببرند. کشتی ایران عزیز این سرزمین کهنسال تمدن انسان در آینده نزدیک با طوفان بزرگی روبرو خواهد شد و برای بیرون آمدن از این طوفان سیاسی که در کمین ایران نشسته است ما دموکرات ها احتیاج داریم به اتحاد سیاسی که **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** فراهم میکند پاسخ مثبت دهیم تا بتوانیم با پایدار نگهداشتن ایران وظیفه خود را به این سرزمین مقدس بجا آورده باشیم.

شبکه اولین سازمان سیاسی است که بعد انقلاب اسلامی 57 نظریه سیاسی ضروری برای مبارز با رژیم حزب الله را ارائه میدهد و چشم انداز پیروزی را در افق سیاسی ایران بما نشان میدهد. موفقیت دموکرات ها در خارج برای اتحاد و پیدایش کمیت عددی قابل ملاحظه امید بزرگ باورنکردنی را در دل دموکرات های سکولار در ایران ایجاد میکند. این نیروی دموکرات داخلی با کمیت قابل ملاحظه و تعقل سیاسی به دموکراسی، جدائی دولت از مسجد و حقوق بشر شکل نخواهد گرفت مگر اینکه هسته منسجم دموکرات شبکه در خارج گسترش یابد و بعنوان یک نیروی سیاسی مستحکم در آینده سیاسی ایران خود را مطرح کند. دموکرات های منفرد و گروهی در خارج از هر جهت سیاسی که بخواهند به پیوستن به **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** نگاه کنند خواهند دید که رستگاری ایران در گرو پیروزی این فرصت تاریخی برای گرد همآئی دموکرات های خارج کشور است. در شب تاریک سیاسی ایران همواره چراغ رستگاری سیاسی ایران در زمان های متفاوت سو سو ناتوان خود را زده است. دموکرات های انقلاب مشروطیت به روشن نگاه داشتن چراغ آزادی و دموکراسی و جدائی دولت از مسجد وفادار ماندند و برای آن مبارزه کردند. پیش از انقلاب اسلامی 57 دکتر بختیار پرچم بزمین افتاده آزادی و دموکراسی را افراشت اما این پرچم آزادی و دموکراسی بوسیله وزش باد طوفانی نیروهای دیکتاتوری خواه حزب الله و کمونیست ها به خاک افتاد در حالیکه دموکرات های پراکنده غافلگیر شده بودند. اما این بار **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** پرچمی را که مبارزان انقلاب مشروطیت افراشتند و به پیروزی رساندند و پرچم دموکراسی و آزادی را که دکتر بختیار افراشت اما بخاطر نبودن پشتیبانی و دشمنان داخلی مصمم بخاک افتاد، دوباره افراشته است. این بار چنین انتخابی را **"شبکه جهانی سکولار های سبز ایران"** فراهم کرده است و چراغ آزادی و دموکراسی را روشن کرده است و پرچم آن را افراشته است تا دموکرات ها به گرد آن متحد شوند و ایران را از دست حزب الله آزاد کنند. وجود شبکه در سپهر سیاسی ایران معادلات سیاسی نیروهای دیکتاتور خواه را برهم میزند. این نیروی سکولارخواه و آلترناتیو ساز ایرانی را خواهد

ساخت تا هرگز هیچ ایرانی بخاطر استبداد سیاسی دولت، منصفانه نبودن فرصت های اقتصادی، تبعیض دینی و جنسی، و فشارهای اجتماعی که بطور کلی نبودن آزادی خوانده میشود خیال ترک کشور خود را بسر راه ندهد. هر دموکراتی باید خود را مسئول روشن نگاه داشتن چراغ دموکراسی و افراشتن پرچم آن بداند که در حال حاضر تنها تشکیلات متعهد به آن "شبکه جهانی سکولار های سبز ایران" نوبنیاد است. به امید سربلندی ایرانی آزاد و پر افتخار.

کامبیز باسطوت

www.iranpolitics.org

Wednesday, February 02,

2011